



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

در مکتب استاد

محمد حسینی شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در مکتب استاد

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد شیرازی (ره)

ناشر چاپی:

مالک اشتر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	در مکتب استاد
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	مقدمه گردآورنده
۷	ارزش علم و تربیت
۱۰	پاکسازی اخلاقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

در مکتب استاد

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی شیرازی محمد

عنوان و نام پدیدآور: در مکتب استاد / گوینده محمد شیرازی نویسنده شهاب‌الدین حسینی واعظ

مشخصات نشر: قم مالک اشتر [مرکز پخش، ۱۳۶۳ق].

مشخصات ظاهری: ص ۶۴

شابک: بها: ۷۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: اسلام — مسائل

متفرقه شناسه افزوده: حسینی واعظ، شهاب‌الدین گردآورنده رده بندی کنگره: BP۸/ح ۴۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۶۳-۳۶۱۰

اشاره

حضرت آیت الله العظمی شیرازی پس از ورود به شهر مقدس قم در سال ۱۳۵۸ هـ.ش در مسجد امام زین العابدین (علیه السلام) این شهر درس خارج خود را آغاز نمود و در همان مکان در روزهای پنج‌شنبه برای طلاب علوم دینی شرکت‌کننده سلسله سخنرانی‌هایی را با عنوان درس اخلاق ایراد می‌فرمودند. کتاب حاضر گردآوری دو سخنرانی از درسهای اخلاق معظم له می‌باشد که توسط یکی از آقایان شرکت‌کننده در این دروس گردآوری شده و بصورت کتابی با عنوان (در مکتب استاد) به رشته تحریر درآمده است.

مقدمه گردآورنده

مقدمه گردآورنده

عصری که در آن زندگی می‌کنیم نامهای مختلفی دارد عصر تکنیک و صنعت، عصر ماشین، عصر تسخیر فضا، عصر موشک، عصر اتم و خلاصه جهان با قدرت صنعت و تکنیکش مقدسات و نغمه‌های آسمانی و قوانین قرآنی را فراموش کرده و دچار بدبختی و جنایات شایانی شده است که در تاریخ انسانها بی‌سابقه است. بد نیست برای اثبات مطلب روزنامه اطلاعات ۲۴ / ۹ / ۵۱ را بخوانیم که می‌گوید: ملاحظه می‌کنید که جهان با تکنیک و قدرت علمی منهای شرف و انسانیت چه می‌کند، سنبل جهان پیشرفته امروز آمریکا یعنی اول کسی که توانسته است قدم به کره ماه گذارد و پرچمش را در آنجا نصب کند آمریکا است ولی ناظر تجاوزات آمریکا بر مردم و ممالک زیر دست و بی‌قدرت بوده و هستیم. این علمی که برای بشر بیچارگی آورده و به وحشیانه‌ترین عمل در عصر حاضر دست یافته است و این تزلزل فکری و روحی و این انقلاباتی که در جهان بشریت سایه انداخته برای چیست؟ آیا بشر عالم نیست؟ دانشگاه ندارد؟ قدم بر کره ماه نگذاشته؟ چرا همه را کرده و داشته و دارد. پس این اضطرابات برای این است که بشر حاکم علم دارد ولی ایمان ندارد، شرف و انسانیت ندارد، اخلاق ندارد، خدا بدست فراموشی سپرده شده است و جهان حشر و معاد را از یاد برده است و این نه تنها مربوط به کشور آمریکا بلکه در تمامی ممالک و به عموم افراد سرایت کرده و می‌خواهند از ناپاکی و نداشتن اخلاق و درستی استفاده نمایند. و امیدواریم خدا همه ما را به سوی سعادت و کمال رهنمون و در مسیر شاهراه

حقیقت و پاکسازی نفس موفق باشیم. و کتاب حاضر مشتمل بر ده درس جالب اخلاقی از حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج سید محمد شیرازی مد ظله در سال ۱۳۵۸ در قم ایراد فرموده‌اند. و کسانی که با آیت‌الله آشنایی داشته‌اند و از نزدیک با ایشان برخورد نموده‌اند خوب می‌دانند که این عالم بزرگوار گذشته از تسلط در فقه و اصول که رشته تخصصی هر مجتهد و مرجع تقلید است در مباحث و موضوعات مختلف اسلامی و حدیث و تفسیر و مهارت در تاریخ و ادبیات، دارای مطالعات وسیعی بوده و تا کنون صدها کتاب فقهی و اصولی و اسلامی و تاریخی در سطح همه اقشار جامعه نوشته و همیشه و همه وقت سعی بر این داشته و دارد که همه مردم در همه جا رشد و آگاهی صحیح اسلامی یافته و طریق اسلام صحیح را بشناسند. و از حرفهای همیشگی و روزانه معظم له این است که باید امروز قلم بدست گرفت و کتاب نوشت زیرا مردم احتیاج به فرهنگ دارند و در تمام کشورهای اسلامی نیازمندی زیاد است و تمام مصیبت‌های دنیا از بی‌فرهنگی و یا کم‌فرهنگی است که اگر فرهنگ مسلمانان خوب شود هم دنیا و هم آخرتشان هردو آباد و عالی خواهد بود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: لَيْتَ الشَّيَاطِ عَلَى رُؤْسِ اصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَهُوا. ای کاش با تازیانه اصحاب مرا می‌زدند تا بفهمند که مراد از فقه همان فهمیدن است. و تا زمانی که مسلمانان فقهی که در قرآن و سیره ائمه معصومین (ع) موجود است را نفهمند در حال عقب ماندگی خواهند ماند. و می‌دانیم که وجود مبارک پیامبر معلم و رهبر راستین امت آنقدر گرسنه می‌شدند که سنگ به شکم مبارک می‌بستند و حضرت زهرا (ع) و علی (ع) از گرسنگی در فشار بودند ولی از احدی یک دینار و درهم نمی‌گرفتند و تمام همتشان ارشاد و هدایت و آقایی مردم بود که در این راه چه آزارها و اذیتها کشیدند. کتاب بنویسید و حضرات ائمه طاهرین ارواحنا فدا هم را به مردم معرفی کنید زیرا که جامعه آنها را درست نشناخته و فکر می‌کند که آن بزرگواران فقط عالمی بیش نیستند و باید بدانند که اینان خلفاء واقعی خدا در روی زمین‌اند و عالم بواسطه آن ذوات مقدسه بنا گردیده و هدفشان پیاده کردن احکام مقدس و نورانی قرآن و اسلام راستین بوده است. و چون دیدم کلمات و بیانات اخلاقی و درسهای خود سازی آن آیت‌الله بکر و جالب است، لذا اقدام به نوشتن آن کردم تا ادای ادبی به این استاد تربیت و اخلاق باشد.

قم - سید شهاب الدین حسینی واعظ تابستان ۱۳۶۳

ارزش علم و تربیت

ارزش علم و تربیت

ما در عراق که بودیم و در کویت نیز هفته‌ای یک روز را که تعطیل بود به درس اخلاق اختصاص می‌دادیم و رفقا همگی استقبال می‌کردند و امروز این کار و برنامه را در اینجا (قم) دنبال می‌کنیم. اخلاق جمع خلق به معنای صفت است و معنای خاصی ندارد بلکه معنای عام است و اصولاً اخلاقیات در گوینده و شنونده هردو مؤثر است مثل مرثیه و ذکر مصیبت که هم گوینده و هم شنونده را تأثیر می‌بخشد. آیه شریفه‌ای که در اول بحث است استفهام است و استفهام با قیمتی است که هیچ چیزی را فروگذار نکرده است: هر دانا و هر نادان مساوی نیستند. و دانا بودن و نادان بودن اختصاص به بشر ندارد بلکه حیوان هم اگر دانا باشد قیمت دارد. در کویت معمولاً در مراکز پلیسی از سگ‌های تربیت شده استفاده میکنند که شاید این سگ خیلی کارها انجام و مشکلاتی را رفع می‌نماید. در این کویت که ما بودیم دو سگ پلیس را به مبلغ پنجاه هزار دینار کویتی (۵.۲) میلیون تومان ایرانی خریداری کرده بودند و از امتیازات این دو سگ غریزه و شامه‌ای بود که مجرم را می‌شناخت و دستگیر می‌کرد. یکی از دوستان کویتی ما که در ماشین سازی کویت است نقل کرد که مغازه ما را سرقت کردند و ما نفهمیدیم که دزد کیست و هرچه تلاش کردیم نتیجه‌ای

نگرفتیم به ناچار از این سگ کمک گرفتیم و عده‌ای را به صف کرده سپس سگ را رها کردیم تا ببینیم چه می‌کند، آیا واقعا دزد و سارق را می‌شناسد و می‌گیرد، دیدیم تمام افراد در صف قرار گرفته را بو کرد تا رسید به آخری و او را دستگیر کرد، آن شخص تا این عمل را از سگ دید فریاد و داد زد که من دزد نبودم و این سگ بیخود مرا گرفته باز صف تشکیل شد و این دفعه این آقا را وسط قرار دادند باز سگ همه را بو کرد و همین شخص را گرفت باز فریاد اعتراض که من دزد نیستم، مرتبه سوم او را اول صف قرار داده و سگ را از آخر مأمور گرفتن دزد کردند باز هم آمد و میچ همان شخص را گرفت، همگی فهمیدند که این جوان دزد است و جوان التماس و انتقاد که من دزد نیستم و سگ بیخود مرا گرفته و شناخته است، جوان را به حمام بردند و تمیز کردند و لباسهای قبلی او را عوض کردند و دوباره همه در صف ایستاده سگ را رها کردند باز سگ همه را بو کرد و همان جوان سابق را که این بار تغییر لباس داده بود و حمام رفته بود گرفت و برای چهارمین بار معلوم شد که دزد همین شخص است و خود او هم به دزدی اقرار کرد و پولهایی را که برداشته بود پس داد. پس ببینید هرچیز دانایی خوب است حتی اگر سگ باشد و لذا باید آدمی جدیت کند که دانایی و علمش را زیاد کند و در تمام زمینه‌ها دانا و آگاه باشد، بخصوص ما که اهل علم و دانشیم باید سعی کنیم در فرا گرفتن بیشتر علم و دانش. و تلاشمان این باشد که به سواد و معلومات خود بیافزاییم و در موفقیت این راه باید از خدای بزرگ مساعدت و یاری بگیریم و از او بخواهیم که ما را بپذیرد و توفیق بدهد. *أول العلم معرفة الجبار و آخر العلم تفویض الامر الیه.* در ورود و آغاز علم و دانش اتکاء به خدا و برای خدا و پایان و آخر هم برای خدا و به دست خدا. الهی چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار و ظاهرا علمی که برای خدا نباشد ثمره‌ای ندارد و علمی است بی‌محتوی. و چرا علماء و مجتهدین گذشته اینقدر اعتبار و شهرت گرفته‌اند که امروز در بیشتر حوزه‌ها و مراکز دانش و دانشگاهی جهان نامشان بر سر زبانهاست و همه مورد احترام و تکریم می‌باشند به خاطر این است که ارتباط با مبدأ داشته‌اند و بنام او و به خاطر او به دنبال علم و کمال رفتند و دسته‌ای هم زحمت کشیدند و معلوماتی کسب کردند و خدماتی هم تقریبا به جامعه عرضه نمودند و ابتکارات و اکتشافاتی هم داشتند ولی مردند و از آنان اصلاً نامی و مطلبی نیست چون خودشان و علمشان برای خدا نبوده، قرآن کریم و روایات و پیشوایان دین علیهم‌السلام علم و عالم را ستوده و برای آنان مقامی منیع قایل شده‌اند. *هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون انما یتذکر اولوا الالباب.* آیا نادان و دانا مساوی و برابرند؟ هرگز همانا صاحبان عقل و دانش برتر و ممتاز ترند. *عن ابی عبدالله(ع): قال رسول الله(ص) طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة الا ان الله یحب بغاة العلم.* امام صادق(ع) فرمودند که پیامبر اسلام(ص) فرمود: درخواست علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب و لازم است و خداوند تعالی دوست دارد دانش جویان را. اشتباه نشود، علم و دانش که بر مرد و زن واجب شده است، علم دین و شناخت توحید و معنویت است نه علمی که دختر و پسرش با توحید و معنویات مبارزه کرده و آن را خرافه و ارتجاع نامند. نه علمی که خواننده و یاد گرفته‌اش مخرب و کارشکن باشد، نه علمی که دختر و پسر را به سوی دنائت و فساد ببرد، متأسفانه بعضی از پسرها و دخترهای درس خوانده و معلومات دار ما از علمشان سوء استفاده کرده دست به پاره‌ای از جنایات و خودسری‌ها می‌زنند که واقعا شرم‌آور است. و خداوند دانش جوی پاک، خداپرست و خدا ترس و متقی را دوست دارد نه هر دانش جویی را. آیا دانشجوی دختر و پسری که در سخنرانیهایشان اصلا نام خدا و دین و ائمه طاهرین(ع) و.... نیست و با آنان در ستیز و نبردند محبوب خدا هستند؟ آیا دانشجوئی که از دشمن خدا و کارشکن و مخرب دین خدا که افکار مردم را به سوی ضلالت و گمراهی و انحراف می‌کشاند به عنوان نابغه و استاد نام می‌برد و اصلاً توجه ندارد، محبوب خداست؟ هرگز. دانشمندان و روحانیت واقعی اسلام که دانشجویان و عالمان دینند چون لباس اسلام و قرآن را به تن دارند و نشر دهندگان حکم خدا و قرآن و سنتند محبوب خدا و خلقند. فقط روحانیت و دانشجویان دین دار مورد ستایش خدا و برگزیدگان خدا و انبیاء و ائمه(ع) قرار گرفته‌اند نه دیگران. *عن امیرالمؤمنین(ع): ائمه الناس اعلموا ان کمال الدین طلب العلم والعمل به الا و ان طلب العلم اوجب علیکم من طلب المال ان المال مقسوم مضمون لکم و قد قسمة عادل بینکم و ضمنه و سیوفی لکم والعلم*

مخزون لکم عند اهله و قد امرتم بطلبه من اهله فاطلبوه: امام علی (ع) می‌فرماید: ای مردم بدانید که کمال دین به دانشجویی است و عمل به دانش، و همانا بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال حلال لازمتر است زیرا مال را خدای عادل بین شما تقسیم کرده است و ضمانتش را هم داده و به ضمانت آن وفا می‌نماید که رسیدن و دادن روزی باشد. ولی علم نزد اهلش نگهداری شده است و شما مأمورید که آن را از اهلش بخواهید (باید شما پیش آنان بروید نه اینکه آنان نزد شما بیایند). عن ابی عبدالله (ع): قال سمعته یقول الناس علی ثلثه اقسام (اصناف) عالم و متعلم و غناء فنحن العلماء و شیعتنا المتعلمون و سائر الناس غناء. از امام ششم (ع) است که مردم بر سه دسته‌اند: دانشمند - دانشجو - خاشاک روی آب. علماء و دانشمندان مائیم و شیعیان ما دانشجویان و مردم دیگر حباب و خاشاک روی آب می‌باشند. آنرا که علم و دانش و تقوی مسلم است هر جا رود قدمش خیر مقدم است جاهل بروز فتنه ره خانه گم کند عالم چراغ جامعه و چشم مردم است از اشتباهات بیشتر مردم این است که می‌گویند ما در قرآن خوانده‌ایم که نمی‌شود یک آیه مثل قرآن آورد و این حرف ناصحیح است و می‌شود یک آیه آورد. مدها متان (دو برگ سبز) زیدان خرما و امثالهما. بلکه آنچه صحیح است این است که یک سوره نمی‌شود مثل قرآن آورد چنانکه در خود قرآن اشاره شده است: فأتوا بعشر سور مفتریات - فأتوا بسوره من مثله، او مثلهما. تا اینجا معلوم شد که شخص باسواد و دانا قیمت دارد و هر چه دانائیش بیشتر، قیمت و ارزشش بیشتر، ولی شخصی که سواد و علم ندارد هیچ ندارد و بی‌قیمت است ولو اگر پادشاه و ملک باشد. یکی از سلاطین گذشته المستکفی بالله عباسی است وقتی مرد زیر پیراهنش، ۴ میلیون ارزش داشت و این قیمت و ارزشی نیست و کسی را بخاطر گران بودن لباسش احترام نمی‌کنند بلکه هر چه محبوبیت است مال شخص دانا و باسواد است و علی (ع) در نهج البلاغه در کلمات قصار می‌فرماید: (قیمه کل امرء ما یحصل). ارزش هر مردی بقدر کار و عمل اوست، اگر عملش سالم و صالح باشد خوب است و با قیمت. معروف است که پسری با پدرش آمدند در مسجد کوفه تا در نماز جمعه بامامت حضرت علی (ع) شرکت کنند جوان دید آقا بالای منبر است و مردم را تذکر می‌دهد و پیراهن خود را هم تکان می‌دهد، ناراحت شد و تعجب کرد که این چگونه واعظ و گوینده‌ای است که از حالت طبیعی خارج است، علی را نمی‌شناخت، از پدرش پرسید علت حرکت دادن پیراهن را، جواب داد پسرم تو نمی‌دانی من که از یاران و صحابه او هستم می‌دانم، علی (ع) یک پیراهن بیشتر ندارد و او را شسته و پوشیده و روی منبر هم سخن می‌گوید و هم پیراهن نمناک را تکان می‌دهند تا خشک شود علی (ع) رهبر و امام ملت است ذره‌ای نمی‌خواهد از حکومتش سوء استفاده نماید و تاسی به فقراء و بیچارگان شهر کوفه می‌نماید و شما حتما این قضیه را شنیده‌اید که: روزی امیرالمؤمنین از خانه بی‌سرپرست و گرسنه‌ای مطلع شدند و بلافاصله رفتند و آذوقه‌ای برای آنان آورده در خانه را زدند و مقدمات بی‌نیازی و رفع گرسنگی اهل این خانه را آماده کردند و یا با برادرش عقیل چطور رفتاری داشتند نه به او مقام دادند و نه پول، بلکه حقوق مساوی با دیگران به او می‌پرداختند، تا اینکه روزی برادر را به خانه دعوت کرده و از وی خواست که حقوقش را زیاد کند و گفت شما که رهبر و حاکم کوفه‌اید باید اول ما را در ناز و نعمت فرو برده بعد بداد مردم برسید و اصلاً چه عیبی دارد که مردم بمیرند و در فشار و سختی زندگی کنند، بگذارید من خانه و کاخ و ویلا و مستغلات و اتومبیل‌های مختلف داشته باشم و خائن و سارق باموال بیت‌المال مسلمین باشم ولی مردم هیچ نداشته باشند، گرسنه باشند، حقشان ضایع شود، امام علی چنان ناراحت شد که فریاد زد عقیل تو مرا به خیانت و دزدی دعوت می‌کنی، مگر نمی‌دانی که اموال بیت‌المال ویژه مسلمین است و علی را که حاکم کشور اسلامی است از آن حقی نیست و این است طرز حکومت علی (ع) و به امید روزی که این حکومت در ایران و در تمامی بلاد و کشورهای دیگر وجود پیدا کند و عالمی در رفاه و آسایش باشند. عبدالکریم قاسم را در عراق با آن اعتبار و مقام یک سرباز ترور کرد و همه دیدند و از رادیو شنیدند، از اول هم قیمت نداشتند و به زور خود را بر مردم سوار کردند و ادعای سلطنت و شاهی نمودند، ولی بزرگان دین و علمای اسلام با وجودی که نامشان در رسانه‌های خبری برده نمی‌شود اما ارزش و قیمتی مخصوص دارند مثلاً از شیخ مفید چقدر تجلیل می‌شود و از نوشتجات و مؤلفات او در درسهای حوزه علمیه استفاده و بقیه اثراتش مورد تأیید

و مدرک اقتباس و نقل عموم و خصوص می‌باشد. آیا شیخ مفید چه کسی بود و از کجا آمده بود؟ شخصی عادی و معمولی بود، درس خواند، تقوی داشت بدرس و سواد ادامه داد تا اینکه قیمت پیدا کرد و مرجع تقلید دیروز و امروز و فردا شد. بعکس منصور دوانیقی که جنایات و خراب‌کاریهای زمان حکومتش بر احدی پوشیده نیست چقدر خودسر و خائن بود دستور داد خانه حضرت امام جعفر صادق(ع) را آتش بزنند وقتی مأمورینش برای این عمل قبیح آمدند زن و بچه و اهل بیت خانه همگی ناراحت شدند و گفتند الان خانه و اثاث ما می‌سوزد، ولی دیدند ناگاه حضرت صادق(ع) وسط آتش آمده فرمودند: انا بن ابراهیم الخلیل. من فرزند ابراهیم خلیلم، آتش ایستاد و خاموش شد، معجزه و نشانه امامت است که آتش خاموش می‌شود. نمرود مزدور هم پس از مخالفت‌های پی در پی ابراهیم و اعلام اینکه حکومت نمرود غیرالهی است و من قبول ندارم مردم را بر ضد حکومت می‌شورانید و از جنایات نمرود پرده برداری می‌نمود با ناراحتی و عصبانیت دستور داد هیزم آوردند و آتش روشن کردند و با منجنیق حضرت ابراهیم را در وسط آتش انداختند، نمرود خوشحال شد و گفت: الان ابراهیم اخلاک‌گر می‌سوزد و من راحت و آسوده می‌شوم، ولی دید عجا آتش گلستان شد و خطاب رسید: یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم. ای آتش سرد و سلامت باش برای ابراهیم. در هر عصر و زمانی خداوند ابراهیمی دارد که با نمرود زمان ستیز می‌کند و او را سرنگون و ساقط می‌سازد.

پاکسازی اخلاقی

پاکسازی اخلاقی

چون درس این هفته مصادف است با ماه ذی حجه الحرام، ماه فضیلت، ماه پاکسازی، ماه حج و عبادت و اعمال. و لذا دستور اکید است که باید بین صلاتین مغرب و عشا دو رکعت نماز به نیت دهه نخستین ذی الحجه خوانده شود تا صاحبش را در عمل حج شریک سازند. (و واعدنا موسی ثلاثین لیلئ و اتمناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلئ و قال موسی لأخیه هارون اخلفنی فی قومی و أصلح ولا تتبع سبیل المفسدین) (سوره اعراف: آیه ۱۴۲). چه خصوصیتی دارد این آیه مذکور که روایت است هر کس او را همراه با دو رکعت نماز و حمد و سوره بخواند خداوند طواف حجاج را به او می‌دهد. آیا این حرف مبالغه و خلاف است؟ ابداً. بدون زحمت و مشقت پول خرج کردن و رفتن به مکه و اعمال انجام دادن با دو رکعت نماز که گفتیم خدای بزرگ اینقدر صواب به خواننده‌اش می‌دهد. البته ما در اینجا در مقام تفسیر آیه و نماز این دهه نیستیم و فقط به عنوان مقدمه بحث از او یاد می‌نمودیم. می‌دانید که وقتی حجاج به سمت طواف می‌روند آیه مزبور را می‌خوانند، و خدا روزی کند هر سال این سفر با برکت و شریف قسمت ما بشود و از خوبیهای این سفر اینکه تمام مسلمین از سرتاسر جهان در یکجا جمع می‌شوند و یکدیگر را می‌بینند و از احوال و اوضاع بلاد و کشور و مسلمانان اطلاع پیدا می‌کنند و به مساعدت و کمک یکدیگر اقدام می‌نمایند و از جهت معنا آدمی را متوجه مرگ و جهان محشر می‌کند که تمامی افراد بشر با یک لباس احرام و مخصوص در پیشگاه عدل الهی حاضر و زنده گشته و جزای اعمال خوب و بد را می‌گیرند. در زمان امام زین‌العابدین(ع) حجاجی که به مکه می‌رفتند (۵۴) میلیون نفر بودند و در سال ۱۳۹۴هـ طبق آمار رسمی یک میلیون و پانصد هزار نفر به حج رفتند. قریب یک میلیون آنان از خارج عربستان سعودی بودند و همه از این عدد بزرگ که بی‌سابقه بوده است هراس و ترس داشتند. در آن سال پس از ایام حج هر حاجی را که می‌دیدید شکایت از چند چیز معین داشت. افرادی با چشم خود دیده بودند که چگونه بعضی مردم از شدت ازدحام در خانه خدا و در مطاف زیر پاها جان داده بودند. و برخی دیگر در مذبح و کشتارگاه و جمرات و بعضی خیابانها چنین مناظری را مشاهده کرده بودند. دسته‌ای دیده بودند که چگونه قسمتی از دیوارهای منی ریخته و جابجا چند نفر را کشته است. و مردم دیگری در آن سالم دیده بودند که چگونه

بیماری شبه وبا گریبانگیر برخی از حجاج گردیده و در اثر آن چند نفر مرده‌اند. و گروهی دیده بودند که چگونه در بعضی از مناطق منی آتش سوزی روی داد و عده‌ای در اثر آن سوختند و خلاصه هر کس از چیزی شکوه داشت. و برخی دیگر رنج می‌بردند که چرا در این کنگره عظیم اسلامی تبلیغات دینی وجود ندارد و پاره‌ای ناراحت بودند که چرا تاکنون بقیع و قبور ائمه اطهار(ع) و شهدای اسلام و اصحاب و اهل بیت پیغمبر خراب است. شکی نیست که تمام این اوضاع نیازمند علاج و درمان است و درمان هرگز در دست یک حکومت، یا یک انسان و یا گروه خاصی نیست و هرگز نمی‌توان جلوی این سیل خروشان حجاجی را که هر ساله رو به فزونی است گرفت زیرا که رفت و آمد آسان شده ولی زندگی پیچیده مادی نیازمند چنین سفرهای معنوی است تا مردم در درگاه الهی و در آستانه پیامبر و ائمه اطهار و اصحاب گرامی او از پاره‌ای مشکلات رهایی یابند و اسلام در حد خود مردم را جهت ادای این فریضه مقدسی که خداوند آن را قیام مردم خوانده است تشویق و تحریر می‌نماید. و از جهت دیگر هر حکومتی هر مقدار قدرت و امکانات داشته باشد و مردم نیز هر قدر دانش و آگاهی داشته باشند نمی‌توانند اوضاع را بگونه‌ای درمان کنند که در این سفر چند روزه همه چیز به خوبی و آسایش کامل بگذرد و چاره‌ای نیست مگر اینکه همه دست در دست هم داده و کوششهای مخلصانه‌ای برای ایجاد نظم و تعمیم عمران و وسایل آسایش و تنظیم رفت و آمد و سکونت و غیره انجام بدهند. در آیه مورد بحث خداوند به حضرت موسی بن عمران می‌فرماید: ما موسی را به مدت سی روز به کوه طور فرستادیم برای این که الواح تورات را مشاهده کند. می‌دانیم که حضرت موسی یکی از پیغمبران خداست و باید هر پیغمبری دارای کتاب باشد و کتاب او تورات بود و عده‌ای به او ایمان آورده بودند خداوند خواست قوم موسی را آزمایش کند و ببیند که آیا در اثر غیبت موسی ملت متفرق می‌شوند یا نه. سی روز مأموریت داشت در کوه طور بماند وقتی مأموریتش تمام شد، ده روز اضافه گشت و در این مدت ده روز اضافه ملت متفرق شدند و از موسی دست برداشتند و گوساله پرست شدند. چرا اول فرمود ۳۰ و بعد ۴۰ آیا در کار و قول حق تعالی نقص و اشتباهی است؟ ابداً. بلکه می‌خواهد پیغمبر و قومش را آزمایش و امتحان کند و شاید بنا بود در این مدت ده روز انقلابی به وجود بیاید و وقتی انقلاب شد همه برگشتند و کافر به انقلاب و پیروزی خود شدند. فلما جائهم ما عرفوا کفروا به. قوم موسی با تلاش و کوششهای موسی آدم شدند و سعادت باز یافتند ولی متأسفانه مخالف با سعادت و آدمیت بودند او را رها کردند و به کشتار و خونریزی مبادرت ورزیدند. (یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم) (سوره بقره: آیه ۴۹). مردها را کشتند و زنها را مورد بی‌حرمتی قرار دادند و به عذاب و درد بی‌درمان مبتلا شدند. وقتی قدر انقلاب و عالم و پیغمبر را ندانند فرعون دژخیم و دیکتاتور بر آنان مسلط می‌شود که ذره‌ای رحم و عاطفه ندارد. بنی اسرائیل بعد از آن همه شکنجه‌ها و آدم‌کشیها و زنای با دخترها و زنها فهمیدند که باید به دنبال موسی باشند و حضرت موسی فرمودند من ۳۰ روز به کوه طور می‌روم حالا- چه شد آیا حادثه‌ای پیش آمد که ده روز تفاوت و اضافه شد و برای آزمایش مردم فرمود: (و اتمناها بعشر) ده روز بیشتر او را در کوه طور نگهداشتیم. با ده روز انقلاب به وجود می‌آید و با ده روز انقلاب معدوم و نابود می‌شود. (و قال موسی لایخیه هرون اخلفنی فی قومی وأصلح ولا تتبع سبیل المفسدین). حضرت موسی سه جمله به برادرش هارون پیغمبر فرمود. ۱- اخلفنی فی قومی: جای من باش و فرار نکن، البته جانشین شدن و قبول مسئولیت مشکلاتی هم دارد، مشکلات انقلاب، مشکلات مسجد، مشکلات محراب و منبر، مشکلات تعلیم و تربیت، مشکلات امام جماعت بودن. اینها تمام فحش و ناسزا دارد، مردمی که به پیغمبر و ائمه(ع) جسارت کردند و آنان را مورد تندی و بی‌اعتنائی قرار دادند بی‌سرانجام و فرومایه هستند. ۲- أصلح: دومین موعظه‌ای که موسی به هارون کرد این بود که فرمود: اصلاح کن. مگر هارون مفسد بود که فرمود اصلاح کن. ابداً، بلکه به ما خطاب می‌کند به اینکه فسادگر نباشیم و همیشه خواهان اصلاح باشیم، اصلاح جامعه، اصلاح درون، اصلاح خانواده... ۳- لا تتبع سبیل المفسدین: در راه مفسدین نباش. آیا مگر حضرت هارون دنباله رو مفسدین بود که حضرت موسی فرمودند در راه مفسدین نباش باز ما مورد خطاب هستیم همراه فاسد و ضد خدا نرو، در مسیر طاغوت نباش، کارشکنی نکن، کم‌کاری نداشته باش. امام شافعی در این باره نصیحت می‌کند:

لسانک لا تبدی به سواهُ امرئ فکلک سواهُ و للناس ألسن و عینک ان اهدت الیک معایبا من الناس قل یا عین للناس اعین با زبانت بدی مردم را نگو در صورتی که خودت پر از عیبی زیرا اگر بدی مردم را گفتی بدی تو را خواهند گفت. و چشمت اگر خواست نقص و عیب کسی را پیش تو مجسم کند بگو ای چشم مردم هم ناظر و بیننده و چشم دارند و عیب تو را می‌بینند. بقول شاعر: هر بد که به خود نمی‌پسندی با کس مکن ای برادر من این داستان مشهور را هم شنیده و خوانده‌اید: حضرت عیسی (ع) با جمعی از شاگردان از کوچه‌ای عبور می‌کردند، ناگاه در وسط راه میتی را دیدند که فضای کوچه را پر از بوی تعفن کرده است شاگردها همه دستها را در بینی خود گرفتند ولی حضرت عیسی و استاد، این کار را نکردند و فرمودند اگر شما بوی تعفن مرده را دیدید و شنیدید ولی من دندانهای سفید و قشنگ او را دیدم. یکی از چیزهایی که برای اصلاح درون مفید و مؤثر است تلقین کردن است. اگر در صدد باشیم که تلقین به خود نماییم و در صدد اصلاح نفس باشیم با یک مدت کوتاهی تغییر درون خواهیم داد و با تلقین کردن به خود آدمهای زیادی اصلاح گشته‌اند. شما گاندی را می‌شناسید و معتقدید که او مسلمان نیست در صورتی که من فکر میکنم مسلمان بوده ولی اظهار نمی‌کرده چون می‌خواست حرکتش خراب نشود، با سر و وضع ساده زندگی می‌کرده و شاگردانی داشته که از جمله آنهاست (راجند برآزاد) که در استقلال حکومت هند به ریاست جمهوری رسید و شاگرد دیگرش محمد علی جناح است که همه او را مسلمان می‌دانند، هرچه باشد. شاگرد اولش کتابی دارد بنام (قصه تجارب مع الحقیقه) زحمتی که برای بدست آوردن حقیقت کشیدم. این گاندی در کودکی ترسو بود و شبها بیشتر در خواب جن‌ها را می‌دید و از خواب می‌پرید و ناراحت بود، در اثر تلقین این آدم ترسو در اواخر عمر به جنگهای بزرگ می‌رفت و اصلاً ترس و وحشتی نداشت، و این از محسنات تلقین است. میثم تمار یکی از برکات و افتخارات عالم اسلام است او فردی بود عبد و بد ترکیب و سیاه، روزی امیرالمؤمنین (ع) با دوستان تازه وارد کوفه شده بودند و مردم آن جناب را نمی‌شناختند از کنار میثم گذشتند دیدند او نزد یک زن نشسته است حضرت به زن فرمودند این بنده را می‌فروشی جواب داد آری پنجاه دینار (سه ربع مثقال طلا) فرمودند او را بخرید زن که دید علی (ع) با پنجاه دینار خرید میثم موافقت دارند و از طرفی هم او را نمی‌شناخت فوری گفت: نه آقا او را صد دینار می‌دهم، امام فرمودند به او صد دینار بدهید، باز زن به صد دینار اکتفا نکرد و گفت: دویست دینار، و خلاصه تا چهارصد دینار آمد و علی (ع) بدون اینکه ناراحت شوند چهارصد دینار دادند و جناب میثم را خریدند و با خود بردند و در کنار مکتب علی (ع) تربیت یافت و چنین شخص نمونه و با عظمتی شد، اگر امام علی (ع) میثم را به چهارصد دینار اکتفا نکرده بودند امکان نداشت اینقدر امتیاز و مقام برای میثم باشد و می‌دانید که جناب میثم با وجودی که زیبا نبود ولی مجاهداتش زیبا و با نمونه است و از انقلابیون خستگی‌ناپذیر زمان معاویه است و در اثر مجاهدات و مبارزات وی معاویه به لرزه و زانو در آمد و خواب و آرام نداشت و عاقبت در راه حمایت و طرفداری از مقام مقدس ولایت شهید شد که ما همیشه نامش را گرامی و راهش را دنبال خواهیم نمود. مثالی دارند فلاسفه به اینکه: در یک دانه حنظل تلخ یک مگس نیست ولی در یک ذره عسل ممکن است دهها مگس بنشینند و از شیرینی او استفاده کند. و ما سعی کنیم حنظل نباشیم و عسل باشیم که همه به دور ما باشند و این امکان ندارد مگر اینکه تلقین به نفس داشته باشیم و خود را اصلاح نماییم. جامعه‌ای که تلقین نفس ندارد و در صدد اصلاح خویش نیست، ممکن نیست در مسیر سعادت و شاهراه سربلندی و استقلال قدم بردارد و روز به روز برنامنی و گرفتاری خود می‌افزاید. باید به خود تلقین کنیم که بفهمیم: (المؤمن کیس فطن تمام رادیوها، روزنامه‌ها، کتابها و اطلاعات و اخبار را باید بدانیم و بخوانیم، عالم به اجتماع باشیم که بهترین فهمیدگان اجتماع مؤمنینند و لکن المنافقین لا یفقهون. در زمان شاه از رادیوها و مطبوعات شنیدیم که بهترین جا برای آزادی اسرائیل است، در صورتی که حرف غلطی است و آزادی در اسلام است و عالیترین آزادی است و هرکس با آزادی مخالف است باید ادب شود. امیدواریم که خداوند به ما توفیق تلقین به نفس را مرحمت فرماید تا اینکه در صدد اصلاح نفس برآئیم و دارای اخلاقی خوش و اسلامی باشیم. در پایان این بحث قضیه‌ای تاریخی از یکی از علماء و روحانیون عالیقدر و ربانی مرحوم شیخ

حسنعلی اصفهانی شاگرد فقیه و استاد بزرگ میرزای شیرازی را برایتان نقل کرده و ختم این جلسه را اعلام می‌نمائیم. مرحوم روان شاد نامبرده، روزی عازم کوفه بودند در راه به سارقهائی برخورد کرده که آن بزرگوار را عریان و لخت کردند و تمام جامه‌ها و اثاثیه او را از او گرفتند، آن مرحوم تا این سرقت را از آنان مشاهده کردند فرمودند اشکالی ندارد، اگر شما جامه‌ها و لباسها و اثاثیه مرا برداشتید هذا هدیة منی الیکم مباح: حلالتان کردم، سارقین تا این بزرگواری و مناعت طبع را از وی دیدند شروع به گریه و زاری کردند و به دست آن مرحوم و در اثر تبلیغ و موعظه آن روحانی عالیقدر از عباد و زهاد و بندگان وارسته خدا شدند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

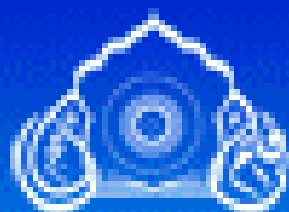
الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

